

ژانر تلویزیونی «سُپِ اُپرا» و ویژگی‌های ساختاری آن

نرگس معارفی^۲

چکیده

در دنیای امروز، تلویزیون یکی از پر مخاطب‌ترین رسانه‌ها محسوب می‌شود که افراد بسیاری در سرتاسر جهان برنامه‌های آن را تماشا و پیگیری می‌کنند. از همین جا ضرورت وجود برنامه‌هایی جذاب و مورد پسند مخاطبان مشخص می‌شود. یکی از برنامه‌هایی که به سبب برخی خصوصیات از جمله ادامه‌دار بودن، توانسته بینندگان زیادی را در دنیا به رسانه تلویزیون جلب کند، گونه سُپِ اُپراست. سُپِ اُپرا احترام و توجه بینندگان را برانگیخته‌است اما منتقدان؛ همواره آن را نقد می‌کنند. سُپِ اُپرا دوره‌های تاریخی و اجتماعی، تغییر و تحولات فرهنگی، هنری و همچنین تاریخ پخش تلویزیون‌های ملی و بین‌المللی را منعکس می‌کند و برای مدیران تلویزیون، از جمله بهترین ساختارهای تلویزیونی محسوب می‌شود زیرا قادر است مخاطبان زیادی را جذب شبکه پخش‌کننده نماید. این مقاله برآن است که ضمن معرفی سُپِ اُپرا به مثابه یکی از عمده‌ترین گونه‌های تلویزیونی جهان، منشاء پیدایش و شکل‌گیری آن را بررسی کند و برخی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و عناصر سازنده این گونه را برشمارد. کلید واژه: سُپِ اُپرا، تاریخچه شکل‌گیری سُپِ اُپرا، سُپِ اُپرای رادیویی، عناصر و ویژگی‌های ساختاری سُپِ اُپرا.

1. soap opera

Email: firoozeh3464@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تهیه‌کنندگی تلویزیون.

مقدمه

سپ آپرا یکی از قدیمی‌ترین و محبوب‌ترین گونه‌های نمایشی تلویزیون در سرتاسر جهان است، به‌ویژه در آمریکا و انگلیس که محل تولد این گونه به‌شمار می‌رود و امروزه به دلیل همین محبوبیت بین عامه مردم، ساعات زیادی از پخش، در ایستگاه‌های گوناگون تلویزیونی به برنامه‌های این گونه اختصاص دارد.

رابرت سی آلن^۱ در مقدمه کتاب خود با نام *دامه دارد، سپ آپرا در سرتاسر جهان*^۲ در معرفی سپ آپرا می‌نویسد:

«بر اساس تحقیقات علمی، صدها میلیون تماشاگر در سرتاسر جهان سپ آپرا تماشا می‌کنند. هر نامی که بر این ساختار بگذاریم همچون سپ آپرا، داستان‌های تلویزیونی^۳ داستان‌های احساسی و عشقی، رمان‌های تلویزیونی^۴ یا به تعبیر مادرم (منظور مادر رابرت سی آلن) داستان‌های من، تفاوتی نمی‌کند، این ساختار محبوب‌ترین گونه نمایشی برای بیان داستان است که تاکنون در رسانه تلویزیون ابداع شده است.» (آلن، ۱۹۹۵: ۱)

از نخستین روزهای پیدایش رسانه تلویزیون و دهه طلایی آن (۱۹۶۰-۱۹۵۰) تا به امروز برنامه‌سازان سعی کرده‌اند تا ایده‌های تکراری را در ساختارهای نو به گونه‌ای عرضه کنند که گویی برنامه‌ای جدید خلق شده است. در این میان بعضی ساختارها عمری کوتاه و برخی نه تنها عمری طولانی، بلکه جایگاهی محکم در تاریخ تلویزیون یافته‌اند و سپ آپرا یکی از قدیمی‌ترین این ساختارهاست که قدمت آن به پیش از پیدایش رادیو، یعنی به زمان داستان‌های دنباله‌دار پاورقی روزنامه‌ها و مجلات بر می‌گردد و در حال حاضر یکی از پر مخاطب‌ترین ساختارهای نمایشی تلویزیون در جهان است که سال‌هاست روزانه، عده زیادی از مردم دنیا را سر ساعت معینی، برای پیگیری داستان‌هایش پای گیرنده‌های تلویزیونی می‌نشانند.

1. Robert.C.Allen

2. to be continued, soap opera around the world

3. tele novel

4. tele romance

سُپ آپرا

سُپ آپرا از ترکیب دو واژه انگلیسی soap به معنی صابون و opera به معنی نمایش موسیقایی به وجود آمده که معنای تحت‌اللفظی آن اپرای صابونی است. این اصطلاح که برای اولین بار، دهه ۱۹۳۰ در آمریکا رواج یافت به مجموعه‌های رادیویی خاصی اطلاق می‌شد که روزانه پخش می‌شدند و سرمایه آنها را کارخانجات صابون‌سازی پروکتل^۱ و گمبل^۲ تأمین می‌کردند. البته بعدها، کارخانجات دیگری مثل محصولات غذایی برای صبحانه، خمیر دندان یا شرکت‌های دارویی به آن پیوستند اما چون کارخانجات صابون‌سازی اولین حامیان مالی این مجموعه‌های رادیویی پرشنونده بودند که بیشترین مخاطب زن را در زمان اوقات فراغت آنها (بین ساعت ۱۱ الی ۱۴) به خود جذب می‌کرد و می‌توانستند از این طریق، به تبلیغ محصولات خود بپردازند، اصطلاح "صابون" روی این مجموعه‌ها ماند (هابسون، ۲۰۰۳: ۷). علت ترکیب آن با واژه "آپرا" که یکی از فاخرترین و شاخص‌ترین گونه‌های نمایشی است که به صورت موزیکال اجرا می‌شود، این بود که برخی از منتقدان و کارشناسان در زمان آغاز پیدایش این گونه، برای تمسخر از این ترکیب استفاده کردند. (تی وی، سُپ آپرا، ۲۰۰۴: ۱) و همین عنوان روی این گونه تثبیت شد و امروزه نیز در تمام دنیا آن را به همین نام می‌شناسند. در واقع، سُپ آپرا برگرفته از برنامه‌هایی است که زوایای متفاوتی از داستان‌های نمایشی را در بردارند اما همچنان با معنای تمسخرآمیز استفاده می‌شود و این معنای تمسخرآمیز بیشتر از طرف کسانی رایج شده که راجع به این گونه صحبت می‌کنند نه از طرف کسانی که خود مستقیماً با سُپ آپرا درگیرند. تاکنون تعاریف بسیاری از این گونه شده که هر یک از آنها فقط به بخشی از این ساختار مربوط است که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم.

۱. سُپ آپرا نمایشی دنباله‌دار است که طی ۲۵ هفته با حضور شخصیت‌هایی محدود و با استفاده از خط داستانی خاصی به موضوعات خانوادگی، روابط شخصی یا

-
1. Proctor
 2. Gamble

خانوادگی می‌پردازد. سپ آبراها دارای پایان بازند و چندین داستان در چند قسمت متوالی به هم پیوند می‌خورند و هیچ قسمت مجزایی در سریال وجود ندارد. پس در این نوع مجموعه‌ها نه نقطه پیوندی میان عوامل داستان وجود دارد و نه مانند نمایشنامه، لحظه پایان رسمی را می‌توان دید. سپ آبرا از جمله ژانرهایی است که مراسم عروسی نه تنها برایش پایانی خوش نیست، بلکه آغاز ازدواجی پر دردسر و حتی محکوم به شکست است. (مک کوئین، ۱۳۸۴: ۵۳)

۲. سپ آبراها، سریال‌های دنباله‌داری‌اند که هرگز پایان نمی‌یابند، درست مانند زندگی، و بازیگران آنها در طول سال‌ها با شخصیت‌های سپ آبرا پیر می‌شوند. این فرآیند طولانی را شخصیت‌ها، خطوط و گره‌های داستانی به هم پیچیده که ممکن است تا پایان داستان حل نشوند، ادامه می‌دهند. این شخصیت‌ها شباهت زیادی به ما، دوستان ما و مردم عادی دارند. (هاولند، ۲۰۰۰: ۱۱۴)

۳. سپ آبرا سریال نمایشی رادیویی و تلویزیونی ملودراماتیک و احساس‌برانگیزی است که کارخانجات صابون‌سازی، اولین حامیان مالی آن بوده‌اند. (فرهنگ لغت وبستر، جلد دوم: ۲۱۶۰)

۴. سپ آبرا، داستانی ادامه دار است که هرگز پایان نمی‌یابد. «دیوید لیدمنت»^۱

۵. سپ آبرا یعنی ادامه و تکرار، برنامه‌ای که مدام در جدول پخش برنامه‌های یک کانال دیده می‌شود، این برنامه داستانی است که باید همیشه در ساعات معینی پخش گردد. «مایکل گرید»^۲

۶. سپ آبرا گونه‌ای است که به صورت اپیزودیک، چند بار در هفته دیده می‌شود، البته نه به شکلی خسته‌کننده، بلکه احساسی از ریتم، وفاداری و ثبات را در مخاطب ایجاد می‌کند و برای همین است که با یک بار در هفته نیز نمی‌توان به این موارد دست یافت. «پتر سالمون»^۳

1. David Liddment - تهیه کننده سپ آبرا
2. Michael Grade - تهیه کننده سپ آبرا
3. Peter Salmon

اما کامل‌ترین تعریف از سُب آپرا، تعریفی است که دورتی هابسون^۱ در کتاب خود، سُب آپرا، بیان کرده است:

سُب آپرا نمایشی رادیویی و تلویزیونی است که در قالب یک مجموعه، حول محور شخصیت‌ها و لوکیشن‌های ثابت شکل می‌گیرد، اما شخصیت‌های دیگری هم وجود دارند که در طول سریال می‌آیند و می‌روند و لحظاتی از زندگیشان با شخصیت‌های اصلی گره می‌خورد. هر اپیزود از تعدادی موضوع تشکیل شده که داستان در آن جریان دارد و در پایان هر اپیزود معمولاً موقعیت دلهره‌آوری وجود دارد که مخاطب را تا شروع اپیزود بعدی در تعلیق قرار می‌دهد و آنها را وادار می‌کند تا ادامه سریال را ببینند. سُب آپرا دست کم سه بار در هر هفته، ۵۲ هفته در سال پخش می‌شود و این توهم را به وجود می‌آورد که حتی زمانی که بینندگان آن را تماشا نمی‌کنند، زندگی در دنیای داستان ادامه دارد و خطوط داستانی به شکلی خطی با اوج و فرودهایی از حوادث و عواطف جریان می‌یابد. این گونه به تعبیر یک ساختار روایی غالب، فرمی بی‌انتهاست با نقاط اوج مکرر. (هابسون، ۲۰۰۳: ۳۵)

تاریخچه شکل‌گیری سُب آپرا

منشاء اولیه پیدایش سُب آپرا پیش از رادیو، قصه‌های عامه پسند سریالی مجلات و روزنامه‌ها در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۳۰ بود که بعدها در قالب رادیویی با قواعد و ویژگی‌های رمان‌ها و رمانس‌های ملودرام هالیوودی وارد شد.

این مجموعه‌ها پس از انتقال به رادیو، روزانه به مدت پانزده دقیقه پخش می‌شدند و به موضوعات و مسائل عاطفی مورد علاقه زنان از جمله ازدواج، طلاق، عشق‌های رمانتیک، فرزندخواندگی و... می‌پرداختند. (هابسون، ۲۰۰۳: ۸)

از جمله اولین سُب آپراهای روزانه رادیو می‌توان از بچه‌های امروز^۲، چراغ راهنما^۳ و

-
1. Dorothy Hobson
 2. today's children
 3. guiding light

زن سفید پوش^۱ نام برد که بانویی به نام ایرنا فیلیپس^۲ در دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ آنها را تولید می‌کرد. او در ابتدا جزء بازیگران نقش‌های سپ آپرای رادیو بود و بعدها به یکی از موفق‌ترین تهیه‌کنندگان سپ آپرا تبدیل شد. (تی وی، سپ آپرا، ۲۰۰۴: ۴)

در همان سال‌ها به دلیل علاقه روزافزون مخاطبان و همچنین تقاضای حامیان مالی که خواستار فروش بیشتر محصولات خود بودند، کم کم این مجموعه‌های دنباله‌دار رادیویی به تلویزیون راه یافتند و همان کارخانجات "پروکتل" و "گمبل" جزء اولین حامیان مالی این مجموعه‌ها به‌شمار می‌رفتند. (تاریخ سپ آپرا، ۲۰۰۴: ۲)

فقط به جای اینکه بازیگران آنها از روی متن بخوانند، شروع به اجرای زنده در مقابل دوربین کردند و البته هزینه‌های تولید آن افزایش یافت.

شبکه‌های اصلی تلویزیون آمریکا (ABC, CBS, NBC) برای اولین بار شروع به پخش سپ آپرا کردند. اولین سپ آپرای تلویزیونی، تپه ایی در دوردست^۳ بود که در سال ۱۹۴۶ در روز چهارشنبه از تلویزیون دیامونت^۴ پخش شد و بلافاصله بعد از آن شبکه CBS پخش چند مجموعه سپ آپرا را آغاز کرد که موفق‌ترین آنها مجموعه جست‌وجو برای فردا^۵، عشق زندگی^۶ در سال ۱۹۵۱ و چراغ راهنما در سال ۱۹۵۲ بود که در واقع این مجموعه اولین مجموعه سپ آپرای رادیویی بود که به تلویزیون راه یافت. سپ آپرا ها تا قبل از ۱۹۵۶، در طول روز^۷ به مدت پانزده دقیقه مانند سپ‌های رادیویی پخش می‌شدند تا اینکه ایرنا فیلیپس در ۱۹۵۶ با سپ آپرای جدیدش به نام زمانی که دنیا دگرگون می‌شود^۸ که برای CBS ساخت، برای اولین بار سپ آپرای سی

1. woman in white
2. Irna Philips
3. far away hill
4. dumont
5. search for tomorrow
6. love of life

۷. در ابتدای پیدایش سپ آپرا به دلیل اینکه آنها معمولاً در طول روز بین ساعت ۱۱ تا ۲ ظهر پخش می‌شدند. daytime serial drama اطلاق می‌شدند.

8. as the world turns

دقیقه‌ایی را به تلویزیون آورد و همین مسئله باعث افزایش تعداد شخصیت‌های داستان، آرام کردن فضای داستان‌گویی و همچنین استفاده از دوربین‌های بیشتر برای ثبت تمامی رفتار و حرکات چهره بازیگران شد و همه اینها تعداد بینندگان را افزایش داد. (تی وی، سب آپرا، ۲۰۰۴: ۵)

در سپتامبر ۱۹۶۴، شبکه ABC برای اولین بار پخش مجموعه محله پیتون^۱ را که مجموعه‌ای پر بیننده بود، آغاز کرد. این مجموعه که دو بار در هفته و هر بار به مدت سی دقیقه در زمان پر بیننده تلویزیون^۲ پخش می‌شد، از پر فروش‌ترین رمان سال ۱۹۵۷، نوشته گریس متالیوس^۳، اقتباس شد. این سب آپرا که در آن رایان اونیل^۴ و میافارو^۵ ستاره شدند، پنج سال ادامه یافت و موفقیت آن عاملی برای رواج سب آپراهای زمان پر بیننده تلویزیون شد. که بلافاصله پس از آن در ۱۹۷۸ سب آپراهایی مانند دالاس^۶ و خاندان^۷ در ساعات پر بیننده تلویزیون پخش شدند و با داشتن مخاطب فراوان جنبه بین‌المللی پیدا کرده، در کشورهایمانند انگلیس، هلند، آلمان، فرانسه و حتی در کشورهای خاورمیانه پخش شدند. بر اساس آمار موسسه^۸ مجموعه دالاس در ۵۷ کشور جهان چیزی حدود سیصد میلیون بیننده داشت و یکی از محبوب‌ترین و پربیننده‌ترین این مجموعه‌ها بود.

دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، عصر طلایی سب آپرا در آمریکا بود. در این سال‌ها رقابت شدیدی برای پخش سب آپرا بین شبکه‌های تلویزیونی آمریکا جریان داشت. بر اساس

1. peyton place

۲. منظور از زمان پر بیننده (prime time) فاصله زمانی بین ۶:۳۰ تا ۱۰:۳۰ شب است که در طول این ساعات تلویزیون بیشترین تعداد بیننده را دارد.

3. Grace Metalious

4. Ryon O'Neal

5. Mia Farrow

6. Dallas

7. Dynasty

۸. کمپانی نیلسون: موسسه آمارگیری در زمینه رادیو و تلویزیون در آمریکا که در سال ۱۹۷۰ برخی سهامداران تلویزیون در آمریکا راه اندازی کردند.

نظرسنجی موسسه نیلسون، در ۱۹۸۰ حدود پنجاه میلیون نفر در آمریکا یک یا چند برنامه سپ آپرا را در هفته دنبال می‌کردند که البته این افزایش روز افزون مخاطبان، اندکی هم به دلیل وجود نشریاتی بود که از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد شروع به نوشتن مطالب زیادی راجع به سپ آپراها و زندگی خصوصی بازیگران آنها کردند و مخاطبان بیشتری را به تماشای قسمت‌های بعدی مجموعه تشویق کردند. (تی وی، سپ آپرا، ۲۰۰۴: ۹)

بعد از آمریکا، بریتانیا و استرالیا جزء اولین کشورهایی بودند که سنت تولید این مجموعه‌های دنباله‌دار را اخذ کرده و بر اساس فرهنگ کشور خود سپ آپرا هایی متفاوت و بسیار محبوب در میان عامه مردم، تولید کردند.

ویژگی‌های ساختار سپ آپرا

۱. داستان‌های بدون انتها و پایان ناپذیر

یکی از ویژگی‌های بسیار بارز سپ آپرا، پایان‌ناپذیر و بی‌انتهای بودن آن است. چنانچه برخی سپ آپراها، مانند مجموعه چراغ راهنما که جزء اولین سپ آپراهای آمریکاست، همچنان پس از گذشت چندین دهه با موضوعاتی مثل تولد، مرگ، ازدواج، طلاق، قتل، بزهکاری‌های اجتماعی و خلاصه تمام موضوعات روزمره ادامه دارد. این موضوعات به خودی خود می‌توانند سال‌های سال ادامه یابند مگر این‌که به دلیل برخی اقتضائات شبکه پخش‌کننده به پایان برسند که البته این اتمام هم واقعی نیست، بلکه داستان‌های مجموعه به آینده‌ایی موهوم، موکول می‌شود. به طوری که زمانی که آخرین صحنه سپ آپرای انگلیسی چهارراه، بعد از ۲۴ سال در آوریل ۱۹۸۸، به پایان رسید، جیل جنس^۱ را همراه عاشق جدید خود، جان^۲ نشان می‌داد که به دنبال متل و چهارراه دیگری می‌گشتند. (گراتی، ۱۳۸۴: ۲۵)

پاتریشیا هلند^۳ در کتاب راهنمای تلویزیون^۱ اشاره می‌کند:

-
1. Jill Chance - از شخصیت‌های سپ آپرا
 2. John - از شخصیت‌های سپ آپرا
 3. Patricia Holland

«سپ آپراها سریال‌های دنباله‌داری هستند که هرگز به پایان نمی‌رسند، درست مانند زندگی واقعی. بازیگران در طول اجرا با شخصیت‌ها پیر می‌شوند، چنانچه کین بارلو^۲ یکی از شخصیت‌های مجموعه کرونیشن^۳ که در قسمت‌های اول این سب آپرا به والدین خود به دلیل بی‌سوادی و بی‌فرهنگی پرخاش می‌کرد، هنوز پس از ۳۵ سال بعد از چندین بار ازدواج در آن خیابان زندگی می‌کند.» (هاولند، ۲۰۰۰: ۱۱۳)

سونیا لوینگستون^۴ دلیل محبوبیت این گونه نمایشی را ناشی از پایان‌ناپذیری آن می‌داند، به این معنی که این ژانر دارای متنی (باز)، بدون هیچ‌گونه آغاز، میانه و پایانی است. به این طریق، سریال بی‌آنکه صراحتاً به حل و فصل مسائل مربوط به شخصیت‌ها پردازد، اجازه می‌دهد تا بیننده خود شخصاً نتیجه‌گیری کند؛ «گستره‌ایی از دیدگاه‌های متضاد پیش روی بیننده گذاشته می‌شود که هم‌جواری‌شان در بیننده ایجاد علاقه می‌کند، زیرا پاسخ واحدی برای مسائل مربوط به شخصیت‌ها وجود ندارد و او باید شخصاً به حل و فصل موضوع پردازد.» (لوینگستون، ۱۹۹۰: ۶۰)

بنابراین پایان‌ناپذیری سب آپرا به بیننده نقشی فعال می‌دهد. «پیچیدگی و تعداد زیاد خطوط داستانی، بیننده را دعوت می‌کند که براساس تصور خودش از وقایع احتمالی آتی در مجموعه، به آن سامان بخشد، بینندگان مختارند به راه حل‌های گوناگون برسند و این چیزی است که بیننده از آن لذت می‌برد.» (لوینگستون، ۱۹۹۰: ۵۲)

بیننده دوست دارد راجع به وقایع داستانی حدس بزند؛ چه مدت زمان کوتاه، به‌اندازه پنخس یک پیام بازرگانی و چه از انتهای یک قسمت تا قسمت بعدی؛ این احساس الزام به حل معما، سب آپراها را در نظر مخاطبان بسیار مهیج می‌کند. برای روشن‌شدن این موضوع باید گفت وقفه‌هایی که به پنخس آگهی‌های بازرگانی اختصاص می‌یابد، نمونه‌ایی است از مواقعی که می‌تواند سبب فشار روحی و حدس و گمان در بیننده شود و فرصتی در اختیارش می‌گذارد تا به بازنگری اطلاعات قبلی متن پردازد و احتمالاتش

-
1. the television handbook
 2. Ken Barlow
 3. coronation street
 4. Sonia Livigston

راجع به حوادث آتی در مجموعه را سامان دهد. (فسیک، ۱۹۸۷: ۱۸۳)
بنابراین پایان ناپذیر بودن سپ آپرا به این معناست که پایان نهایی هرگز اتفاق نمی‌افتد و دوام پایان را همیشه حادثه بعدی تهدید می‌کند. ازدواج با طلاق، خانواده متحد با رفتن بچه‌ها و جشن‌ها با درگیری‌ها و اختلافات از بین می‌روند.

۲. داستان‌های زندگی روزمره

سپ آپراها بیشتر بر روی اعمال و جزئیات زندگی عادی شخصیت‌ها تمرکز دارند و اقبال عام به سپ آپرا، ظاهراً از ماهیت بی‌تکلف و آسان‌گیر آن و پرداختش به دغدغه‌های روزمره نشئت می‌گیرد. (لوینگستون، ۱۹۹۰: ۵۶) و در حقیقت، پرداختن به زندگی عادی با تمام جزئیات آشنایش برای مردم یکی از دلایل اصلی محبوبیت فراوان این گونه نمایشی است. (دایر، ۱۹۸۷: ۸۹)

واقع‌گرایی در سپ آپراها به حدی است که پیش از شروع سپ آپرا، گوینده از ما دعوت می‌کند که سری به خیابان (مجموعه خیابان کرونیشن) بزنیم و ببینیم در خیابان چه اتفاقی افتاده است، گویی در غیاب ما (بینندگان) زندگی در آنجا ادامه یافته است.

در همین راستا یک بیننده سپ آپرا اظهار می‌دارد:

«سپ آپرا دقیقاً زندگی خانوادگی روزمره را منعکس می‌سازد، چیزهایی که شخصیت‌ها در مورد آن بحث می‌کنند، مسائل مطرح روز است مانند اینکه با همسایگانمان گفت‌وگو می‌کنیم».

در واقع، واقع‌گرایی یکی از ویژگی‌های بارز سپ آپراهای انگلیسی است، به طوری که وقتی جولیا اسمیت^۱ نخستین تهیه‌کننده مجموعه اهالی شرق لندن در تماس تلفنی خود با تلویزیون در جشن دومین سالگرد این سپ آپرا گفت: «ما زندگی را نمی‌سازیم، بلکه آن را منعکس می‌کنیم»، تعدادی از تماشاگران تماس گرفتند تا به خاطر واقعی بودن این مجموعه به او تبریک بگویند. (گراتی، ۱۳۸۴: ۵۸)

می‌توان استدلال کرد که سپ آپرا بخشی از محبوبیتش را مدیون این است که

بینندگان از ایجاد رابطه مشارکتی با شخصیت‌ها لذت می‌برند و دوست دارند خود را در پیرنگ مجموعه مجسم و با شخصیت‌ها همذات‌پنداری کنند. این احساس هم‌دردی با شخصیت را به طور برجسته، به هنگام گریستن تماشاگر به مناسبت عروسی یا عزای شخصیت‌های سُب آپرا یا به طریق مشابه، برای تولد یا طلاق آنها می‌توان مشاهده کرد. با وجود انتقاداتی که از سُب آپرا شده، این گونه، بخشی از محبوبیتش را مدیون عناصر آشنایی و تداوم است؛ ویژگی‌هایی که آن را به «بخشی از سرگذشت مشترک خانواده» تبدیل می‌کند. (براون، ۱۹۹۴: ۸۵)

۳. لوکیشن‌ها و شخصیت‌های ثابت

قاعده سُب آپرا از همان ابتدا، نمایش بابازیگران اندک و دکورهای استودیویی محدود بود که قصد داشت با صرف کمترین هزینه، مخاطب زیادی را جذب نماید. (مک کوئین، ۱۳۸۴: ۵۰)

محدود بودن دامنه جغرافیایی سُب آپرا به یک مکان و این‌که هر قسمت از آن، زندگی شخصیت‌های واحدی را به تصویر می‌کشد، ما را از تکرار و استمرار سُب آپرا خاطر جمع می‌کند. به علاوه در بعضی از سُب آپراها، هر وقت شخصیتی در یک قسمت غایب است، این موضوع که او کجا و به چه کاری مشغول است، به بیننده اطلاع داده می‌شود؛ مثلاً در سُب آپرای اهالی شرق لندن^۱ هرگاه شخصیتی در یک قسمت حضور نداشته باشد، تقریباً همیشه سایر بازیگران به نحوی به نبودش اشاره می‌کنند و دلیلش را توضیح می‌دهند. به ندرت پیش می‌آید که در یک قسمت بیش از یک یا دو شخصیت محوری غایب باشند. (باکینگهام، ۱۹۸۷: ۵۵)

البته داشتن بازیگران ثابت در سُب آپراها به این معنا نیست که تا پایان مجموعه هیچ بازیگر جدیدی وارد داستان نمی‌شود بلکه ممکن است بازیگران مهمانی در هر قسمت وارد مجموعه شوند و داستان در مورد رابطه آن بازیگر مهمان با بازیگران ثابت ادامه یابد. اگر عکس‌العمل مخاطبان در مورد این شخصیت‌های جدید مثبت باشد، این

بازیگران جایگاه خود را در مقام شخصیتی ثابت، تثبیت می‌کنند و در غیر این صورت به طریقی از بازی خارج می‌شوند. (تی وی، سپ آپرا، ۲۰۰۴: ۵)

بنابراین همواره تعدادی بازیگر ثابت که نقش‌های محوری و اصلی دارند در تمامی سپ آپراها وجود دارد و بنابر ضرورت‌های داستان، بازیگران فرعی به داستان اضافه یا از داستان خارج می‌شوند و این از ویژگی‌های مشترک در همه سپ آپراهاست.

استفاده از لوکیشن‌های ثابت به‌ویژه در سپ آپراهای انگلیسی حس آشنایی و نزدیکی بین بینندگان و سپ آپرا به‌وجود می‌آورد و باعث پیگیری داستان از طرف بیننده می‌شود و به همین دلیل هم هست که اکثر سپ آپراهای انگلیسی اغلب در منطقه‌ای مشخص فیلمبرداری می‌شوند؛ مثل مجموعه خیابان کرونیشن که در سالفورد^۱، مزرعه امردال^۲ در یورکشایر^۳ یا بروکساید^۴ در لیورپول^۵ فیلمبرداری شده‌اند و این مسئله علاوه بر جذب بینندگان، به دلیل استفاده از لوکیشن‌ها و دکورهای ثابت و محدود برای تلویزیون بسیار مقرون به صرفه است. (مک کوئین، ۱۳۸۴: ۵۸)

۴. خطوط داستانی در هم تنیده

سنت داستان‌گویی در سپ آپراها به‌ویژه سپ آپراهای بریتانیایی به این گونه است که معمولاً دو یا چند داستان را هم‌زمان پیش می‌برند و گاهی آنها را با موضوعی مشترک به هم مربوط می‌کنند یا داستانی جدی را در مقابل داستانی طنز قرار می‌دهند. این داستان‌های درهم تنیده، آمدن و رفتن شخصیت‌ها، ناپدید شدن موقت شخصیت‌های ثابت، ساختن چهره‌های جدید از شخصیت‌های آشنا راه‌ر کدام، تا حدی طبیعی جلوه می‌دهد. این انعطاف‌پذیری به سپ آپرا امکان می‌دهد که دامنه داستان‌های خود را گسترش دهند، شخصیت‌های جدید خلق کنند و بدون از دست

-
1. salford
 2. emmerdale
 3. york shire
 4. brookside
 5. liverpool

دادن ثبات حاصل از فضای داستان، تغییر و تنوع را به مخاطب عرضه نمایند. (گراتی، ۱۳۸۴: ۳-۳۲)

تکنیک درهم تنیدن چند خط داستانی مهم به سبب آپرا برمی‌گردد که مدت‌هاست از این راهکارها بهره می‌برند. یک سبب آپرای مدرن یک ساعته آمریکایی، معمولاً هشت تا ده داستان را باهم پیش می‌برد (تامسون، ۱۳۸۴: ۶۳). هر رشته داستانی برای خودش داستان اصلی کاملی درباره یکی از شخصیت‌های اصلی نمایش است. اما از آنجایی که همه این رشته باید ظرف زمانی نیم ساعته به سرانجام برسند، هرکدام سیر داستانی کوتاه تری دارند و کمتر از یک داستان اصلی سنتی، زمان نسخه نهایی را پر می‌کنند. (همان، ص: ۶۴) از همین جا می‌توان دریافت که سبب آپرا گونه‌ای خاص در میان سایر گونه‌های نمایشی تلویزیون است، زیرا هیچ قهرمانی ندارد بلکه تعداد زیادی شخصیت اصلی دارد (لوینگستون، ۱۹۹۰: ۵۲). گاه چنین استدلال می‌شود که بخشی از محبوبیت این گونه در بین عموم مردم، ریشه در تعداد و تنوع شخصیت‌ها و خطوط داستانی آن دارد که عمده توجه بیننده را به خود معطوف می‌کند. گرچه در خلال یک قسمت، تمرکز بیشتر سبب آپرا ممکن است روی یک یا دو شخصیت معطوف باشد اما طولی نمی‌کشد که دوربین روی شخصیت دیگری متمرکز می‌شود و با این روش بیننده از تماشای مداوم یک شخصیت ثابت کسل نمی‌شود. (باکینگهام، ۱۹۸۷: ۶۰)

البته این مسئله به نوع نگارش این گونه مربوط می‌شود که با نگارش سایر گونه‌های نمایشی تفاوت‌هایی دارد. کریستین گراتی^۱ درباره سبک نگارش این گونه می‌گوید: «سبب آپرا معمولاً با یک گره آغاز می‌شود که خط داستانی از قسمت قبل در آن باقی مانده است و در اوج نقطه هیجان به پایان می‌رسد و ما را به دیدن اتفاقات قسمت بعد تشویق می‌کند. این نقاط هیجان با یکدیگر از نظر شدت و ضعف تفاوت‌هایی دارند و معمولاً در هر قسمت، دو یا سه داستان مطرح می‌شود که زمان آنها برابر است و اغلب اوقات برهم تأثیر می‌گذارند و یکدیگر را به حاشیه می‌رانند و به محض پایان یافتن یک داستان، داستان بعدی آغاز می‌شود». (گراتی، ۱۳۸۴: ۵۴)

۵. قالب ملودرام

عشق‌ها، روابط پنهانی، خیانت، چند ازدواجی و بسیاری دیگر از موضوعات مورد توجه زنان، پایه اصلی بسیاری از داستان‌های سپ آپرا را تشکیل می‌دهند. بیشتر سپ آپراهای ماندگار، معمولاً مانند بسیاری از رمان‌های رمانتیک، در گیر عشق‌های بین دو شخصیت محوری بوده‌اند.

بینندگان معمولاً از این جاذبه‌های عشقی شخصیت‌های سپ آپرا و هیجان و تعلیق ناشی از آن لذت می‌برند و یک‌سری احساسات و عواطف مشترک را از طریق شخصیت‌ها تجربه می‌کنند. در واقع داستان‌ها و حوادث زندگی روزمره مردم در قالب ملودرامی خانوادگی ارائه می‌شود چرا که اغلب بینندگان آن زنان‌اند که با این داستان‌های ملودرام همذات‌پنداری می‌کنند. آنها از طریق این برنامه‌ها از نگرانی‌ها و مشکلات واقعی زندگی‌شان می‌گریزند و به دنیایی بسیار شیک و پر زرق و برق پناه می‌برند و تخیلات، آرزوها و رویاهایشان را در آنجا محقق می‌بینند. (لوینگستون، ۱۹۹۰: ۵۵)

چنان‌که جان فیسک^۱ می‌گوید: «سپ آپرا با ارائه مثال به زنان می‌آموزد که به خاطر لذت‌های جزئی و غیرواقعی از ارضای واقعی امیالشان چشم‌پوشند. این لذت‌های جزئی، تماشاگر را تابع نظام خود می‌کند و زنان با این لذت‌های شخصی‌شان به خود آسیب می‌رسانند» (فیسک، ۱۹۸۷)، (مک کوئین، ۱۳۸۴: ۶۶). اما از طرفی همین لذت‌های ملودرام، باعث وفاداری دائم مخاطب به سپ آپرا و ایجاد حس برتری و امنیت می‌گردد و این شاید بزرگ‌ترین جذابیت برای مخاطبان این گونه باشد.

۶. پخش متعدد در طول هفته

ویژگی مهم دیگری که از تعاریف سپ آپرا استنباط می‌شود و نقش بسزائی در جذب بیننده دارد، پخش مکرر آن در طول هفته است. چنانچه دوروتی هابسون در تعریف خود از سپ آپرا تاکید دارد: «سپ آپرا ژانری است که حداقل سه بار در هفته، ۵۲ هفته در سال پخش می‌شود» (هابسون، ۲۰۰۳: ۳۵) و برخی علت محبوبیت روز

افزون این گونه را در همین تداوم و تکرار پخش می‌دانند. «هر قدر شخص با یک سٗپ آپرا و شخصیت هایش بیشتر آشنا شود، دلیل بهتری برای هر روز تماشا کردنش دارد.» (آلن، ۱۹۸۵: ۱۱۳)

البته گفتنی است که تعداد دفعات پخش در هر کشوری متفاوت است مثلاً در آمریکا سٗپ آپراها معمولاً پنج شب در هفته، از دوشنبه تا جمعه پخش می‌شوند و تعداد دفعات پخش سٗپ آپراها در بریتانیا با یکدیگر متفاوت است؛ برخی از آنها مانند خیابان تاجگذاری سه بار در هفته و برخی مانند امور خانوادگی^۱ پنج بار در هفته پخش می‌شوند. (تی وی، سٗپ آپرا، ۲۰۰۴: ۸)

در این میان ملودی اصلی آرم برنامه که نوایش برای گوش بیننده آشناست، نقش مهمی در جلب مخاطب به برنامه دارد و معمولاً بینندگان پس از شنیدن ملودی آغاز برنامه به سمت دستگاه‌های تلویزیون می‌آیند. (هابسون، ۲۰۰۳: ۷۱)

۷. تولیدی مقرون به صرفه

برخی از صاحب‌نظران کم هزینه بودن را جزئی از ویژگی‌های این گونه تلویزیونی می‌دانند و این موضوع، در طول سالیان، کم‌کم به یکی از ویژگی‌های سٗپ آپرا تبدیل شده است.

نمایش با بازیگران اندک و دکورهای استودیویی محدود، برای تلویزیون که قصد داشت با ساخت برنامه‌های کم هزینه، مخاطب بیشتری را جذب نماید، گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر بود (مک کوئین به نقل از مالتبی، ۱۹۸۹: ۱۰)

بنا به گفته کلارک^۲، سٗپ آپراها به چند دلیل برای تلویزیون اهمیت دارند.

۱- حجم خالص تولید

۲- مخاطبان زیاد

۳- منبع درآمد

سٗپ آپراها با هزینه نسبتاً کم، تولید می‌شوند و به دلیل داشتن بیننده، درآمد درخور

1. family affairs

2. Clark تهیه کننده تلویزیون - Clark

توجهی تولید می‌کنند. "کلارک" توضیح می‌دهد که بودجه‌ها، مطابق هزینه‌های بالای خط (هزینه‌های مستقیم) و زیر خط (هزینه‌های غیر مستقیم) تقسیم می‌شوند. هزینه‌های بالای خط، هزینه‌هایی هستند مثل دستمزد فیلمنامه‌نویس و بازیگران، هزینه دکور، لباس، حمل و نقل و غیره که مستقیماً در برنامه خرج می‌شوند. هزینه‌های زیر خط، شامل هزینه‌های استودیو، تجهیزات، حقوق عوامل و گروه تولید است.

سپ آپراها در هر دو مورد ارزان تمام می‌شود. دکورهای سپ آپرا هر هفته دوباره استفاده می‌شوند. بازیگران از لباس‌های روزمره استفاده می‌کنند و از لوکیشن‌های پر هزینه‌ای برای فیلمبرداری استفاده نمی‌شود. با توجه به هزینه‌های گفته شده در بالا، برنامه تولید سپ آپرا کاملاً با نیازهای صنعت تلویزیون مطابقت دارد (مک کوئین، ۱۳۸۴: ۵۶).

دورتنی هابسون در کتاب خود درباره سپ آپرای "چهارراه" گزارش جالبی از فشارهای کار و بودجه ناچیز برای ساخت این سپ آپرا مطرح می‌کند که عموم بینندگان رغبتی به تماشای آن ندارند. او می‌گوید: «چهارراه محصول بسیار کم بودجه‌ای است و شاید این عامل اصلی در تعیین نوع نگرش، به این سپ آپرا و کیفیت آن باشد».

در جای دیگری گفته شده که از علائم کم هزینه بودن ساخت سپ آپرا می‌توان از تعداد محدود دکورها و موقعیت‌های تکراری دوربین در این سپ آپرا نام برد. البته باید گفت که روش‌های گوناگون زیبایی‌شناسی در ساخت هر سپ آپرای متفاوت است؛ یعنی نمی‌توان قانون خاصی را برای بازی، دکور، حرکات دوربین و سایر عوامل تأثیر گذار در رسیدن به یک زیبایی‌شناختی مطلق قائل بود و چیزی که در این میان تعیین‌کننده است، میزان بودجه اقتصادی هر سپ آپراست. (آلن، ۱۹۹۵: ۶۶)

بنابراین تمامی سپ آپراهای تولید شده، از لحاظ کیفیت زیبایی‌شناختی در سطح پایینی قرار ندارند، چنانچه سپ آپراهای آمریکایی مثل "دالاس" و "خاندان" که سپ آپراهای گران‌زمان پر بیننده تلویزیون "نسبت به سپ آپراهای کم هزینه انگلیسی‌اند، دارای ساختار زیبایی‌شناختی بهتری نسبت به مشابه هانشان هستند. (لوینگستون، ۱۹۹۰: ۵۴)

در واقع، یکی از جذابیت‌های سبب آپرا برای تهیه کنندگان، همین هزینه‌های پایین آنهاست، اگرچه تهیه کنندگان جزئیات دقیقی از بودجه‌های برنامه‌هایشان را فاش نمی‌کنند، اما باز با نشانه‌های تقریبی که از خود به جای می‌گذارند، می‌توان میزان رضایت و خوشنودی آنها را دریافت. (لوینگستون، ۱۹۹۰: ۵۴)

منابع و مآخذ

- ۱- تامسون، کریستین (۱۳۸۴). *داستان‌گویی در سینما و تلویزیون*، (ترجمه بابک تبرایی و بهرنگ رحیمی)، تهران: فارابی.
- ۲- مک کوئین، دیوید (۱۳۸۴). *راهنمای شناخت تلویزیون*، ترجمه عصمت گیویان و فاطمه کرمعلی، تهران، اداره کل پژوهش‌های سیما.
- ۳- گراتی، کریستین (۱۳۸۴). *زنان و سریال‌های خانوادگی؛ بررسی سریال‌های خانوادگی شده در ساعات پر بیننده*، (ترجمه فاطمه کرمعلی)، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
- ۴- ریچاردز، سارا (۱۳۸۶). *فرمانروایان هر روز تلویزیون‌ها*، (ترجمه مصطفی عابدینی فرد)، ماهنامه سینمایی فیلم، ش ۳۶۲ (بهار ۸۶): ۳۵-۳۲.

Allen, Robert (1995). **"To be continued...Soap opera around the world"**, London: Routledge.

Allen, Robert (1985). **"Speaking of Soap operas"**, Chapel Hill: University of North Carolina Press.

Hobson, Dorothy (2003). **"Soap opera"**, Cambridge: Polity Press.

Hobson, Dorothy (1982). **"Crossroads: The Drama of a Soap opera"**, London: Methuen.

Fisk, John & Hartley, John (1978). **"Reading TV"**, London, Methuen.

Livingston, Sonia (1990). **"Making Sense of Television: The Psychology of Audience Interpretation"**, Oxford: Pergmon.

Dyer, Richard, with others (1981). **"Coronation Street"**, London: British Film Institute.

Buckingham, David (1987). **"East Enders and Its Audience"**, London: British Film Institute.

Brown, Mary Ellen (19۹4). **"Television and Women s Culture"**, London, Sage.

Holland Patricia (1997). **"The Television Handbook"**, London, Routledge.

www.museum.tv, **soapopera**, 2004

www.soapcentral.com, **the history of soapopera**, 2004

www.arthisyoryclub.com, **soapopera**, 2004